

چرا دانش مخاطرات؟ (۲) (مخاطره‌شناسی و آینده‌پژوهی)

دکتر عبدالرحیم گواهی، agavahi@yahoo.com

مشاور ریاست و سرپرست دفتر آینده‌نگری علم و فناوری فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران و عضو هیأت تحریریه مجله دانش مخاطرات؛ استاد دانشگاه علامه طباطبایی

سخن عضو هیأت تحریریه

هرچند این جانب مهندس نفت از دانشکده نفت آبادان و دانش‌آموخته رشته مدیریت بازرگانی از مدرسه بازرگانی هاروارد - شعبه ایران - مرکز مطالعات مدیریت ایران که در گذشته در محل فعلی دانشگاه امام صادق (ع) دایر بود- نیز هستم، سخنان امروز نه به‌عنوان یک مهندس یا متخصص MBA، بلکه بیشتر به‌عنوان یک دین‌شناس دارای مدرک دکتری ادیان خارجی (از دانشگاه اوپسالی سوئد) و پژوهشگر حوزه دین و اخلاق و عرفان و فلسفه و روی‌هم‌رفته علوم انسانی است؛ هرچند که سابقه سال‌ها کار و خدمت فرهنگی دیپلماتیک و سفرهای زیاد به نقاط مختلف عالم تا حدودی بنده را با اوضاع و احوال مخاطرات جهانی نیز آشنا ساخته است. همچنین، در پنج شش سال اخیر، سرپرستی دفتر مطالعات آینده‌نگری فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران را نیز برعهده داشته‌ام که به شرحی که خواهم گفت با موضوع مخاطره‌شناسی ارتباط تنگاتنگی دارد.

شاید مهم‌ترین نکته، بحث «تعریف، ماهیت و قلمرو مخاطره‌شناسی» باشد. چه کسی می‌خواهد این تعریف را ارائه دهد؟ یک زمین‌شناس؟ یک جامعه‌شناس؟ یک قوم‌شناس؟ یک حقوقدان؟ یک فیلسوف؟ یک دین‌شناس؟ بی‌تردید هر یک از این اصناف برحسب مقومات و مفروضات ذهنی خویش پیش‌فرض‌هایی دارند و از زاویه دید و نگاه خود تعریفی ارائه می‌دهند. یکی مخاطره را در بی‌آبی و خشکسالی می‌بیند، دیگری در کمبود و گرانی، سومی در فقر و اعتیاد، چهارمی در رشد بی‌دینی و لامذهبی، پنجمی در افزایش طلاق و ناهنجاری‌های اجتماعی، ششمی در اختلاف و فاصله طبقاتی، هفتمی در زلزله و بلایای طبیعی، هشتمی در اختلافات قومی و مذهبی، نهمی در حقوق مدنی و دموکراسی، و بالأخره دیگری در رواج علم‌گرایی و مادی‌گری و سکولاریسم و اسپریتوالیسم و شیطان‌پرستی و اباحی‌گری و غیره. بدین ترتیب معلوم می‌شود قبل از آنکه بخواهیم تعریف خاصی از مخاطره به‌دست بدهیم باید ببینیم از کدام دسته یا نوع مخاطرات صحبت می‌کنیم: طبیعی/ غیرطبیعی؟ خودی/ بیگانه

(استعمار، حمله نظامی، سلطه اقتصادی)؟ زمینی/ آسمانی، یا بشری/ الهی؟ زمینی یا بشری از جنس: «الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ»^۱ و آسمانی یا الهی از جنس: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا»^۲ یا «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ»^۳ و انواع و اقسام دسته‌بندی‌های دیگری که در این زمینه می‌توان انجام داد، مثل مخاطرات جسمی / روحی - روانی، مادی/ معنوی، و غیره.

درباره «ماهیت و تعریف مخاطره‌شناسی»، بحث و بررسی و تبادل نظر بیشتری صورت خواهد گرفت، اما به‌عنوان پیشنهاد اولیه می‌توان با کمک گرفتن از تعبیر بلیغ قرآن کریم، «مخاطره» را هر چیزی دانست که به نحو بالقوه، عالمانه و عامدانه «جسم و جان و محصول تلاش انسان‌ها را به‌خطر می‌اندازد» «يُهْلِكُ الْخَرْثَ وَالنَّسْلَ»^۴ که از جمله شامل فساد و افساد در زمین خدا و خونریزی به‌ناحق نیز می‌شود «مَنْ يُفْسِدْ فِيهَا وَيَسْفِكِ الدِّمَاءَ»^۵. بدیهی است که مقدمه این‌گونه مخاطره‌آمیزی از ناحیه انسان‌ها چیزی جز خروج از بندگی و عبودیت یا طغیان‌ورزی اولاد آدم: «أَذْهَبَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ»^۶، استبداد رأی و خودبرتربینی بعضی از رهبران مستبد و ناآگاه جوامع بشری: «قَالَ فِرْعَوْنُ مَا أُرِيكُمْ إِلَّا مَا أَرَىٰ»^۷، کژفهمی دین خدا و خراب کردن دنیای مردم به‌بهانه ساختن آخرت از طریق حرام اعلام کردن لذت‌ها و شادی‌ها و زینت‌های صواب دنیوی: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ»^۸، افراط در دنیاگروری و سرمستی از لذات دنیوی: «وَوَدَّرَهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ»^۹ و بالأخره خروج از اعتدال و میانه‌روی و پیش‌گرفتن راه افراط و تفریط: «قَالُوا يَا حَسْرَتْنَا عَلَىٰ مَا فَرَطْنَا فِيهَا»^{۱۰} و اسراف و تبذیر «فِرْعَوْنَ إِنَّهُ كَانَ غَالِيًا مِّنَ الْمُسْرِفِينَ»^{۱۱} نیست.

۱. شعراء: ۱۵۲؛ نمل: ۴۸.

۲. طه: ۱۲۴.

۳. اعراف: ۹۶.

۴. بقره: ۲۰۵.

۵. بقره: ۳۰.

۶. نازعات: ۱۷.

۷. غافر: ۲۹.

۸. اعراف: ۳۲.

۹. انعام: ۱۱۰.

۱۰. انعام: ۳۱.

۱۱. دخان: ۳۱.

از این امور انسانی و نفسانی و روحانی که بگذریم یک سلسله مخاطرات پیش‌روی بشر مربوط به دستاوردهای عجیب و غریب علم و فناوری است؛ از مخاطرات فناوری‌های نوین اطلاعات^{۱۲} گرفته تا پیشرفت‌های محیرالعقول اتمی و شبیه‌سازی^{۱۳} و اخیراً هم علوم شناختی^{۱۴} که بشر را قادر به خواندن مغز و افکار دیگران و بلکه هدایت مغز آنان می‌سازد. بی‌جهت نیست که کنراد لورنتس دانشمند اتریشی بنیانگذار علم اتولوژی (رفتارشناسی) جدید حدود نیم قرن پیش کتاب کوچک و به‌یادماندنی هشت‌گانه بزرگ/انسان متمدن [۳] را نوشت و نسبت به این قبیل مخاطرات پیشرفت افسارگسیخته علم به‌شدت هشدار داد. پس از وی نیز نوبت به هشدار نسبت به مکاتب فکری بشری رسید و شاهد ظهور کتاب‌هایی چون سیطره کمیت و علائم آخر زمان رنه گنون [۵]، ظهور و سقوط لیبرالیسم غربی آنتونی آربلاستر [۲] یا آینده سرمایه‌داری لیسترتارو [۴] و نظایر اینها بودیم.

می‌گویند آینده‌پژوهی علم پیش‌بینی آینده‌های محتمل و ممکن و برنامه‌ریزی در جهت نیل به آینده‌ای «مطلوب» و اجتناب از آینده یا آینده‌هایی نامطلوب (مخاطره‌آمیز) است. شاید هم بتوان گفت آینده‌پژوهی، که این روزها این‌قدر بر سر زبان‌ها افتاده است و کشورهای بزرگ و پیشرفته عالم بیش از نیم قرن است که در این راه گام نهاده‌اند، به یک معنا، همان «علم مخاطره‌شناسی» است. اگر چنین باشد، شیوه‌ها و روش‌های آینده‌پژوهی را کم‌وبیش باید همان شیوه‌ها و روش‌های مخاطره‌شناسی دانست و برعکس. در ایران متأسفانه هنوز در هر دو حوزه یا رشته در ابتدای راهیم؛ درحالی‌که ملل راقیه عالم در این زمینه دست به ابداعات و ابتکارات فراوان زده‌اند که از آن جمله تأسیس دانشگاه مخاطرات یا فجایع طبیعی^{۱۵} به‌عنوان یکی از انواع دانشگاه‌های آینده^{۱۶} در ژاپن است.

در پایان باید گفت جدا از فجایع و مخاطرات طبیعی، زیست‌بومی و غیره، هم جهان صنعتی غرب و هم جهان ما کشورهای درحال توسعه و جهان سومی و از جمله کشورهای اسلامی، و سرانجام ایران، در معرض مخاطرات مختلف قرار دارند که اگر از هم‌اکنون برای آنها چاره‌ای اندیشیده نشود شاید در آینده نتوان کاری انجام داد. جهان صنعتی و پیشرفته غرب بعد از رنسانس و رشد مفرط علم‌گرایی و تجربه‌گرایی و نگاه افراطی مادی و پوزتیویستی به عالم و آدم، دچار نوعی تک‌بعدی (طبیعی) دیدن امور و غفلت از مابعدالطبیعه و نشاندن علم به‌جای

12. I.T

13. cloning

14. cognitive

15. disaster university

16. future universities

خدا و به تدریج خداگریزی و خداستیزی شده است که نتایج آن را هم در افول اخلاق و فرهنگ و معنویت و سست شدن بنیان‌های ملکات اخلاقی و فضایل انسانی و تعالیم انبیای عظام الهی می‌بینیم. درحالی که خدای خالق انسان و جهان در تورات و انجیل و قرآن یک پیام واحد دارد که: «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي» [طه: ۱۴].

اما کشورهای جهان سوم، غالب و بلکه عموم کشورهای اسلامی و به‌ویژه ایران، علاوه‌بر عقب‌ماندگی‌های صنعتی، کشاورزی، تولیدی، علمی و فنی، متأسفانه در خیلی از حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، حقوق بشری، زیست‌محیطی، و حتی تدبیر حکمرانی و استفاده صحیح از ذخایر و منابع و نیروی انسانی و غیره با مشکلات و مخاطرات جدی مواجه‌اند که آثار زیانبار آن را در رفتار اجتماعی شهروندان، یأس و بیکاری، اعتیاد و طلاق، ناهنجاری‌های اجتماعی و قانون‌گریزی، ابهامات دینی، فقدان شور و شوق اجتماعی و ... می‌بینیم؛ مسائل و مخاطراتی که مواجهه با آنها و حل آنها شاید به مراتب مشکل‌تر، دقیق‌تر، بلندمدت‌تر و سخت‌تر از مصائب و مخاطرات طبیعی است، زیرا بیشتر با روح و روان انسان‌ها سروکار دارد، نه جسم و جان آنها.

ربنا وفقنا لما تُحب و ترضی

منابع

- [۱]. قرآن مجید.
- [۲]. آربلاستر، آنتونی (۱۳۶۷). *ظهور و سقوط لیبرالیسم غرب*، ترجمه عباس مخبر، چاپ اول، تهران، نشر مرکز.
- [۳]. لورنتس، کنراد (۱۳۵۸). *هشت گناه بزرگ انسان متمدن*، ترجمه محمود بهزاد و فرامرز بهزاد، تهران، انتشارات زمان.
- [۴]. لستر، تارو (۱۳۷۶). *آینده سرمایه‌داری: تغییر و تحول ساختاری در نظام سرمایه‌داری جهان*، ترجمه عزیز کیاوند، چاپ اول، نشر دیدار.
- [۵]. رنه گنون (۱۳۸۹). *سیطره کمیت و علائم آخر زمان*، ترجمه علی‌محمد کاردان، چاپ چهارم، مرکز نشر دانشگاهی.